



اقتصاد مملکت را معطل
مذاکرات کردن خیانت است

تیتراژ امروز

جمعه خشم در واکنش به زنده سوزاندن نوزاد فلسطینی و خانواده‌اش توسط صهیونیست‌ها

انتفاضه‌ای
بانام علی



صالحی تر جمعه‌های غلط جمع بندی توافق هسته‌ای را رمز گشایی کرد

برجام تصویب
مجلس نمی‌خواهد!

لج‌بازی وزارت ارتباطات با شرکت مخابرات وارد فاز جدید شد

تهدید به قطع
مکالمات بین‌الملل!

توقف قانون مبارزه با قاچاق ارز و کالا

قاچاق ۲ برابر
شده است

آزم آرزوست / ۱۹۲

غضب زمینه‌گناهان فراوان

حجت‌الاسلام والمسلمین سید سعید لواسانی *



یکی از نتایج تلخ غضب در زندگی فردی و اجتماعی آن است که غضب مقدمه و زمینه گناهان و خطاهای بسیاری است که اگر جان ما از غضب پاک باشد، این گناهی که هر یک به تنهایی هم پاک می‌شود؛ گناهی که هر یک به تنهایی موجب هلاک فرد و بی‌حیثیتی جامعه می‌شود. به تعبیر دیگر ما در هنگام غضب و خشم، به گناهان و بدی‌هایی مبتلا می‌شویم که هر یک موجب سرزنش ماست و عملاً ما را از مقام انسانی دور و جامعه را هم فاسد می‌کند: غیبت، فحش، لعن و نفرین، سخنان بی‌پرده، کلمات و جملات رکیک و زشت، تهمت، بهتان، فاش کردن اسرار، زدوخورد، لطمه مالی و جانی به دیگران یا خود و اوج آن قتل، همگی از نتایج تلخ غضب است که متأسفانه جامعه ما را هم دربر گرفته است. اگر ما یاد بگیریم که خشم خود را کنترل کنیم، همه این گناهان و خطاها که هر یک هلاک‌کننده فرد و نابودکننده جامعه است، کنترل می‌شود. چه زیبا فرموده است پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله که «شجاع کسی است که در هنگام غضب، مالک نفس خود باشد و غضب خود را کنترل کند؛ «الشَّجَاعُ مَنْ يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ غَضَبِهِ» [جامع‌السعادات: ۱/۳۲۵]

احتمالاً خواننده محترم افرادی را دیده‌اند که از شدت خشم به زمین و زمان و آسمان و در و دیوار ناسزا گفته‌اند، یا کسانی را مشاهده کرده‌اند که هنگام خشم، خود را زده‌اند، یا سرشان را به دیوار کوبیده‌اند، یا وسایل منزل را شکسته‌اند و بعد که به خود آمده‌اند، گفته‌اند از کوره در رفتم. او خودش اعتراف می‌کند از اعتدال خارج شده و حالت غیرطبیعی پیدا کرده است، تا جایی که به حد انفجار رسیده و توانایی کنترل خشم خود را نداشته است. این عین دیوانگی و حماقت است و هیچ نام دیگری نمی‌توان بر آن گذاشت.

دلیل این امر آن است که غضب ظهور تام نفسانیت است که عقل را در هنگام خشم تعطیل و فرد را دچار اختلال عقلی می‌کند که هم خودش مهلک است و هم موجب افتادن در مهلکات دیگر می‌شود. به این نکته توجه شود که ما نباید چشم خود را بر حقایق ببندیم. صفحات حوادث روزنامه‌ها پر است از اتفاقات ناگوار که همگی آنان بر اثر یک خشم و عصبانیت رخ داده است.



باراک اوباما: ۱۵ سال بعد
وقتی از طریق بازرسی‌ها به اطلاعات ایران
دست یافتیم موقعیت بهتری برای حمله نظامی است

جنگ
پس از
بازرسی!

نظامی و موشکی ایران به دنبال تضعیف موقعیت و توان جمهوری اسلامی در درازمدت هستند. جدا از مولفه‌های مربوط به روابط فی‌مابین، ماهیت «سیاست آمریکایی» در جهان بر پایه‌هایی چون حمایت از رژیم اشغالگر قدس و صهیونیست‌هایی که خود صحنه‌گردانان عرصه سیاست در واشنگتن هستند، همچنین استثمار ملت‌های جهان و نمایندگی فرایند استکبار در صحنه بین‌المللی نقاط تقابلی هستند که با توجه به عناصر هویتی نظام جمهوری اسلامی که بر نفی استکبار، حمایت از مظلومان جهان و عظمت اسلام و مسلمین مبتنی است هرگز قابل جمع نیست. با توجه به این واقعیت، حتی توافق‌های محدود و موقت نمی‌تواند چشم‌اندازی از وضعیت مطلوب عده‌ای را محقق سازد که هرگز ژرفا و فلسفه شعار مرگ بر آمریکا را در نیافته و نمی‌یابند و در اوامح خود، خیال دوستی با جهان‌خواران را می‌پروراند.

از این رو هشداری اخیر رئیس‌جمهوری در جمع مردم کردستان مبنی بر لزوم «خانه‌تکانی اتاق‌های سیاسی آمریکایی‌ها» در قبال ایران حتی در صورت پاسخ مثبت رهبران واشنگتن بی‌فایده خواهد بود، زیرا این اتاق برای تغییر واقعی رفتار آمریکایی‌ها نیاز به ویرانی و بازسازی خواهد داشت که در عمل ناشدنی است. پایان سخن آنکه در باغ سبز نشان دادن به آمریکا در هر زمان معنایی جز روی خوش نشان دانی خوش‌خیالانه و کورکورانه به حکومتی درنده‌خو با چنگال‌هایی آمیخته به خون ملت ایران نخواهد داشت.

آمریکا، باغ سبز و چنگال سرخ

ابراهیم مفیدیان نابینی

جهانی‌اشنگتن در قالب استراتژی «نقل آسیایی» بر تمایل آمریکایی‌ها برای کاستن از سطح مخاصمه با قدرت اول مطلقه بی‌تأثیر نبوده است. ضمن اینکه هزینه‌های بسیار تقابل با تهران بر سر برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای و پارچا نگاه داشتن ساختار هواپیمای مسافری و هزاران توطئه، توهین، تقابل و ستیزه‌جویی با ایران انقلابی که بر ذهن ایرانیان برای همیشه حک شده است، باید این سوال را از هواداران گرایش به سوی واشنگتن پرسید که در آمریکا چه رخ داده و چه چیز تغییر کرده که در ایران باید رویکردی دیگرگون به‌صورتی متقابل در پیش گرفته شود. برخی با اشاره به شعار «تغییر» رئیس‌جمهور کنونی آمریکا که موجب به قدرت رسیدن وی در سال ۲۰۰۸ شد در جست‌وجوی نشانه‌های این تغییر در رابطه ایران و آمریکا بوده‌اند یا اینکه روی کار آمدن دموکرات‌ها در کاخ سفید را در مقایسه با رهبران جنگ طلبی چون «جورج دبلیو بوش» عاملی برای زودن اختلافات دوجانبه بین تهران و واشنگتن تلقی کرده‌اند. این درحالی‌است که تغییر نه ماهیت سیاست‌های آمریکا بلکه در وضعیت این کشور در عرصه بین‌الملل رخ داده است. آنچه مشخص است اینکه راهبرداران آمریکایی‌ها برای خارج شدن از باتلاق خاورمیانه‌ای و تمرکز بر تقابل با چین به عنوان اصلی‌ترین رقیب

برشمردن فرصت‌ها و مزیت‌های عادی‌سازی روابط با آمریکا دست به قلم شدند و حتی از پایان دوره شعارهایی نظیر «مرگ بر آمریکا» نوشتند و گروهی نیز به‌جای قلم، قلم مو به دست گرفتند و بنا به تعبیر رهبر انقلاب با بزک کردن چهره کریم «شیطان بزرگ» خیانتی آشکار مرتکب شدند. این درحالی رخ داد که طی سال‌های گذشته مساله روابط عادی با آمریکا خط قرمزی پذیرفته شده و مشترک بین همه نخبگان و جریان‌های سیاسی معتقد به نظام جمهوری اسلامی - دست‌کم در مواضع اعلانی - بوده حتی بسیاری از چهره‌های سیاسی که بعدها در اردوگاه فتنه یا انحراف قرار گرفتند مرزبندی مشخصی با این مساله در دوره تصدی مسؤولیت‌های خود داشته‌اند. در طول مذاکرات هسته‌ای نیز اقتصادشناس زمانی و پیچیدگی‌ها و ویژگی‌های این پرونده سبب شد سکانداران سیاست خارجی دولت یازدهم به صورت مشخص وارد فرایند چانه‌زنی با آمریکایی‌ها شوند که البته در این برهه نیز بارها با بدعهدی‌ها و بداخلاقی‌های طرف مقابل روبه‌رو شدند؛ موضوعی که در کنار سوهنیت‌های تاریخی رهبران واشنگتن در قبال ایران، رفتارهای مستکبرانه و همچنین کنش‌های جنایتکارانه آمریکایی‌ها در برابر ملت ایران، سال‌هاست کاخ سفید را به مهم‌ترین کانون دشمنی با تهران تبدیل کرده

می‌گویند از سال ۱۹۱۹ میلادی و بحبوحه تحقیر دیپلماتیک و سلاخی قلمروی رایش‌نخست یا همان امپراتوری آلمان در کنفرانس صلح پاریس تا زمان گفت‌وگوهایی هسته‌ای ایران و ۵۰۱، آمریکایی‌ها با نمایندگان هیچ کشوری چنین مذاکرات طولانی نداشته‌اند. از زمان روی کار آمدن دولت یازدهم تا جمع‌بندی هسته‌ای وین وزیران خارجه و دیپلمات‌های ایرانی و آمریکایی ساعت‌هایی طولانی را صرف مذاکره کردند تا به نقطه‌ای مشترک در میان انبوه اختلافات در حوزه مسائل هسته‌ای برسند. این گفت‌وگوهایی طولانی که از پیاده‌روهای ژنو تا پشت درهای بسته محل‌های مذاکره ساعت‌ها، روزها و ماه‌ها به درازا کشید موجب برداشته‌ها و تفسیرهایی گوناگون شد؛ تعبیرهایی که نقطه آغازین آن را می‌توان در گفت‌وگوی ربع ساعته «حسن روحانی» و «باراک اوباما» رؤسای جمهوری ایران و آمریکا در مهرماه ۱۳۹۲ جست‌وجو کرد که در اوایلین ساعات حضور روحانی در شمت و هشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد صورت گرفت. رخدادهایی از این دست سبب شد برخی از پایان نزدیک به ۴ دهه هم‌ارزی تهران و واشنگتن سخن به میان آورند و حتی چشم‌انتظار عادی‌سازی عن‌قریب روابط جمهوری اسلامی ایران و آمریکا بنشینند. در این میان برداشته‌های کوتاه‌اندیشانه و در واقع تفسیر به مطلوب تاکتیک مورد نظر رهبر انقلاب تحت عنوان «رزش قهرمانانه» نیز به شکل قطعه‌ای از پازل مورد نظر ستاندگان عادی‌سازی روابط با آمریکا نمودار شد. در این زمینه برخی برای

نگاه امروز

دور یکدیگر جمع کرد که با تلاشی هم نتوانند مشکلاتشان را حل کنند. یکی از اشخاص محوری این جمع‌ها احمد قویلد بود که با تلاشش کانون هموفیلی ایران راه‌اندازی شد و امروز فعال است. قویلد که رئیس کانون هموفیلی ایران است روز پنجشنبه مهمان اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل بود تا به بهانه ورود فابیوس (عامل ورود خون‌های آلوده) به شرح ماجرا بپردازد. به گزارش «وطن امروز» مدیرعامل کانون هموفیلی ایران اظهار داشت: کشور ما سال‌ها تحت تحریم ظالمانه قدرت‌های بزرگ بوده که البته ای کاش رو در رو با مسا می‌چنگیدند، چرا که در یک جنگ مستقیم ممکن است زنان و کودکان در امنیت باشند اما در یک نبرد خاموش که مقررات بین‌المللی ندارد اینگونه نخواهد بود. وی با اشاره به موضوع وارد کردن فرآورده‌های خونی آلوده از کشور فرانسه به ایران، افزود: فرآورده‌های خونی

مدیر عامل کانون هموفیلی ایران:

منکر آلوده بودن خون‌های فرانسوی بودند!

آلوده توسط یک شرکت فرانسوی به نام «مرو» در سال‌های ۶۱ و ۶۳ وارد کشور و موجب بیمار شدن تعداد زیادی از هموطنانمان شد. اولین کسی که اینجا مسؤول است وزیر وقت بهداشت است اما هیچ‌گاه وی به هیچ دادگاهی فراخوانده نشد تا پاسخگو باشد. دولت موسوی تمام تلاشش این بود که مساله را فقط نادیده بگیرد. براساس آمارهای موجود ما توانستیم حدود ۲۰۰ نفر از افراد آلوده به بیماری ایدز را شناسایی کنیم اما متأسفانه به دلیل تاخیر در اطلاع‌رسانی ۱۵ نفر از همسران مبتلا به هموفیلی نیز به بیماری ایدز مبتلا شدند. رئیس انجمن هموفیلی ایران اظهار داشت: شرکت فرانسوی مرو سال ۷۱ طی نامه‌ای به دولت وقت اعلام می‌کند به دلیل اشتباه صورت گرفته غرامت خود را از دولت فرانسه دریافت کند که مدیرکل نظارت بر فرآورده‌های خونی آلوده در آن دولت پس از چندماه اعلام می‌کند ما بررسی کردیم و هیچ

هیروسی را در داروها و فرآورده‌های خونی مشاهده نکردیم! متأسفانه در دولت آقای هاشمی بیشترین بی‌توجهی‌ها به ما شد. وی با بیان اینکه رای دستگاه قضا در سال ۷۶ تیره شدن تمام مسؤولان مربوط به این پرونده بود، افزود: در آن سال دادگاه قضایی، تمام مسؤولان مرتبط با این پرونده را تبرئه و اعلام می‌کند اگر خیلی نسبت به این مساله معترض هستید، انجمن هموفیلی خودش از دولت فرانسه شکایت کند و غرامت بگیرد. قویلد تأکید کرد: فارغ از اینکه رهبری بالاترین مقام در کشور هستند، تنها کسی که دستور دادند تا پرونده خون‌های آلوده به‌صورت اصولی پیگیری شود رهبر معظم انقلاب بودند که با دستور ایشان قفل قوه قضاییه درباره پرونده فرآورده‌های خونی آلوده شکست. وی با بیان اینکه در حال حاضر باید مقامات مسؤول پاسخ دهند که چرا پس از ۱۷ سال با وجود دستور رهبر انقلاب درباره پیگیری این موضوع

هنوز اقدامی در این باره نشده است. اضافه کرد: ۳۳ سال است مسؤولان ما این موضوع را تکذیب کرده و در مکاتبات خود اعلام کرده‌اند هیچ آلودگی در فرآورده‌های خونی وجود نداشته است، با این وجود چگونه می‌شود در حال حاضر نسبت به این مساله اعتراض و درخواست غرامت کرد؟ رئیس انجمن هموفیلی ایران در پایان با بیان اینکه فابیوس باید

ارتباط با ما در شبکه‌های اجتماعی



۰۹۲۱۸۳۶۴۷۹۶